

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس جمهور و استیفای حقوق و آزادیهای ملت

شماره: ۱۴۶۲

تاریخ: ۷۲/۶/۳۱

جناب آقای رئیس جمهور

با سلام، جنابعالی پس از چهار سال دوران ریاست جمهوری بار دیگر به این سمت انتخاب و در تاریخ دوازدهم مرداد ماه سال جاری در مجلس شورای اسلامی به خداوند سوگند خوردید که: «..... از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم....»

علاوه بر این، جنابعالی در سخنان خود هنگام برگزاری مراسم تحلیف و در خطبه‌های نماز جمعه و در سایر فرصت‌ها و برنامه‌های رادیو و تلویزیون از پیشرفت و موفقیت دولت در اجرای برنامه‌های وعده داده شده و از توسعه و رفاه عمومی صحبت کردید که با حقایق ملموس و آمارهای منتشر شده از طرف نهادهای دولتی هم مطابقت ندارد و جای بحث و گفتگوی فراوان دارد. علاوه بر آن، جنابعالی در مورد حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، مطالبی را ایراد نموده‌اید که لازم دانستیم به حکم وظیفه شرعی و مسئولیت‌های اجتماعی، حقایقی را به اطلاع جنابعالی و ملت شریف ایران برسانیم.

۱- در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی ملت که در فصل سوم قانون اساسی به تفصیل آمده است جز نام و نشان اثری نمانده است. به قول معروف با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود. احزاب و گروههای سیاسی مخالف اجازه و امکان هیچگونه فعالیتی ندارند. عدم تحمل مخالفین، حتی گروههای درون حاکمیت را نیز شامل شده است.

مخالفین منفرد هیچ امکان برای بیان نظرات و یا نوشتن آنها را ندارند. بنابراین، یا خانه‌نشین و خاموشند و یا با پذیرش هرگونه خطر و محدودیت نامه‌ای نوشته و در سطح محدود توزیع می‌کنند.

تشکل‌های حزبی نیز علی‌رغم وجود قانون و آئین‌نامه اجرائی، اجازه فعالیت قانونی نیافته و همچنان در بلا تکلیفی به سر می‌برند. توقیف دفتر، عدم اجازه انتشار روزنامه، ضرب و جرح اعضا و علاقه‌مندان در جلسات سخنرانی، بازداشت و زندانی کردن غیر قانونی اعضا و مدیران، احضار اعضا و طرفداران در تهران و شهرستانها و تهدید و تطمیع آنها، منع ادامه تحصیل، لغو پروانه کسب، ایجاد محدودیت شغلی برای اعضا و مهمتر از همه عدم صدور پروانه فعالیت قسمتی از عملکرد حکومت جنابعالی با نهضت آزادی ایران است.

۲- در مورد مطبوعات، پس از مدتها که فقط مطبوعات دولتی در کشور اجازه انتشار داشته‌اند چند مجله نسبتاً آزاد منتشر شده‌اند که هراز گاهی در مطبوعات دولتی مورد انواع و اقسام هتک حرمت و حیثیت واقع شده، مدیران آنها توسط ارگانهای رسمی و غیررسمی تهدید یا احضار می‌شوند و وقتی که یکی از آنها اندکی ناپرهیزی کرده و مطالب جدی سیاسی مخالف میل و سلیقه مدیران منتشر کند بر سرش همان می‌آید که بر سر مجله کیان آمد. در مطبوعات دولتی به هر کس که بخواهند بدترین تهمت‌ها و افتراها را می‌زنند و حق دفاع نیز به آنها نمی‌دهند و حتی از چاپ آگهی تسلیت نیز خودداری می‌کنند.

در حالی که قانون اساسی و قانون مطبوعات تکلیف رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی را روشن ساخته است، دادگاه ویژه روحانیت بر خلاف قانون در امر مطبوعات دخالت می‌کند و روزنامه‌ها و مجلات را توقیف می‌نماید. به عنوان نمونه می‌توان از توقیف نشریه راه مجاهد نام برد. همین دادگاه، ناشرین بعضی از مطبوعات نظیر پیام هاجر و سلام را احضار و بازجویی نموده و به آنها اخطار می‌کند.

۳- در مورد رسیدگی به تخلفات سیاسی، قانون اساسی صراحت دارد. اما حاکمیت تا کنون اجازه نداده است که حتی یک نفر متهم سیاسی بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در حضور هیات منصفه محاکمه شود و در حالی که افراد را به اتهامات سیاسی بازداشت می‌کنند، وجود زندانی سیاسی انکار می‌شود و به آنها اجازه داشتن وکیل داده نمی‌شود. اخیراً ریاست قوه قضائیه، آب پاکی را روی دست همه ریخت و با صراحت اعلام کرد که:

«دادگاههای انقلاب برای رسیدگی به جرائم سیاسی و حفاظت از انقلاب اسلامی در برابر توطئه‌های دشمنان وجود خواهند داشت.» (کیهان ۷/۱۶/۷۲)

۴- در مورد آزادی نمایندگان در استفاده از تریبون مجلس که در مراسم تحلیف به آن اشاره نموده‌اید، شما می‌دانید که نمایندگانی که مواضع انتقادی نسبت به برنامه‌های دولت و سیاست‌های جنابعالی داشته‌اند در دوره جدید از حضور در مجلس حذف شده‌اند و در این دوره بیشتر صدای مدافعه و تملق شنیده می‌شود و هراز گاهی هم که نماینده‌ای جرأت کرده و در داخل یا خارج مجلس سخنی علیه حکومت و سیاست‌های حاکم مطرح می‌کند چنان جو سیاسی علیه او ساخته می‌شود که چاره‌ای جز نوشتن توبه نامه و سرودن مدیحه ندارد. آیا در مجلس نماینده‌ای از احزاب مخالف وجود دارد که انتقادی اصولی از برنامه‌های دولت داشته باشد و آیا آزادی بیان ادعائی فقط باید مختص نمایندگان باشد؟

در پایان لازم می‌دانیم از جنابعالی بخواهیم که از گذشته عبرت بگیرید و به ملت روی آورید و به قانون تمکین کنید و مطمئن باشید که این دوره نیز می‌گذرد و آنچه می‌ماند کارنامه عملکرد شماست در پیشگاه قضاوت مردم و در دادگاه عدل خداوند. باشد که این بار به سوگند خود جداً عمل کنید.

نهضت آزادی ایران

۳۱ شهریور ۱۳۷۲